

۲ ایراد مهم طرح آبرسانی از خلیج فارس به خراسان

هزینه‌ها برابر است، مخاطرات زیست‌محیطی



ابوالقاسم رحمانی
دبیر گروه جامعه

مدام باخودم فکر می‌کنم و جوانب مختلف امر را بالا و پایین می‌کنم تا شاید به یک نکته و اقدام مثبت در طول دوره ریاست جمهوری حسن روحانی برسم، هر بار بیشتر از بار قبل، دست‌خالی می‌مانم. واقعا عجیب است، چطور می‌شود هشت سال بر یک کشور

حکمرانی کرد و بعد از هشت سال نتوان هشت مورد، که چه عرض کنم حتی یک مورد اقدام مهم و مثبت و کارگشا از یک دولت نام برد. از وضعیت اقتصاد که چیزی نمی‌گویم، همه از آن مطلعیم، از وضعیت فرهنگ هم که، بگذریم، وضعیت اجتماعی و سیاسی هم که خوب اوضاع نابسامان تر از همیشه است، در موضوعات مهم مثل سلامت و آموزش هم که حساسی قافیه را باخته‌ایم و حالا بعد از هشت ماه، در رتبه اول کشورهای دارای بیشترین تعداد کشته بر اثر کرونا طبق جمعیت کشور هستیم. آن وقت در یک چنین

شرایطی، رئیس‌جمهور از برخی دستاوردهای افتخارآمیز می‌گوید که اگر نیک بنگریم، وجه افتخار آن نه در دستاورد بودن آن و مثبت و مشرّم‌تر بودن آن که در ضعف و ناکارآمدی آن است. چند روز پیش، هشتم آبان ۹۹، رئیس‌جمهور در آیین آبان‌بهر برداری از سه پروژه زیربنایی وزارت نیرو طی اظهاراتی خاطرنشان کرد: «احیای دریاچه ارومیه و بهره‌برداری از خط انتقال آب از خلیج فارس به فلات قاره ایران دو طرح افتخارآمیز، بزرگ و ماندگار از دولت تدبیر و امید است. احتمالا طی هفته‌های آتی بهره‌برداری از طرح

شیرین‌سازی آب خلیج فارس و انتقال آن به فلات قاره ایران آغاز می‌شود که در کنار طرح احیای دریاچه ارومیه از طرح‌های بزرگ در دولت تدبیر و امید است.» اگر قرار باشد صرفا اقدامات دولت روحانی در حوزه محیط‌زیست را لیست کنیم، چیزی جز ضعف در آن نمایان نیست؛ ما اجرای احیای دریاچه ارومیه که قبل‌تر چند گزارش در رابطه با آن نوشتیم، ما اجرای طرح انتقال آب از خزر به فلات مرکزی که نوشتیم چه انتقادات جدی‌ای به آن وارد است، ما اجرای فروش شکار، قتل عام پرندگان مهاجر، تعطیلی مدارس

طبیعت، عدم اقدام قابل توجه در مدیریت و کاهش آلودگی هوا، تعرض به جنگل‌های هیرکانی، عدم مواجبه و اقدام مثبت در ماجرای آتش‌سوزی جنگل‌ها و از بین رفتن چندین هزار هکتار از جنگل‌های کسور، شهادت تعداد زیادی از جنگل‌بانان به دلیل عدم حمایت و نداشتن امکانات برای اطفای حریق و... همه بخشی از کارنامه غیرقابل دفاع دولت تدبیر و امید در حوزه محیط‌زیست است. آن وقت چطور می‌شود روحانی با چنین کارنامه‌ای سخن از اقدامات افتخارآمیز در این حوزه می‌زند، الله اعلم!

چالش‌های پیش‌روی طرح انتقال آب از خلیج فارس

ماجرای انتقال آب در کشور ما همواره با حواشی زیادی همراه بوده است، خصوصا وقتی این انتقال آب از حوضه آبریز و استان دیگر به جای دیگری بوده است. مثال عینی و پرحاشیه آن ماجرای انتقال آب از استان خوزستان به سایر استان‌های کشور است. یکی از اصلی‌ترین ایراداتی که همواره به مساله انتقال آب در کشور وارد بوده است، عدم ارزیابی‌های دقیق زیست‌محیطی و همچنین آسیب جدی به مبدا انتقال آب بوده است. شما کافی است نگاهی به وضعیت آب و آبرسانی در استان خوزستان داشته باشید تا بهتر در جریان این اتفاق قرار بگیرید. منتها با این اوصاف چند سالی است اخباری مبنی بر نوع دیگری از انتقال آب آن هم در دریاها به شهرها و استان‌ها مخابره می‌شود. انتقال آب از دریای خزر به سمنان و فلات مرکزی کشور و انتقال آب از خلیج فارس و دریای عمان به فلان قاره و استان‌های یزد، اصفهان، خراسان و... توسعه صنایع و تامین آب موردنیاز آنها، تامین آب موردنیاز کشاورزی، تامین آب شرب، از بین بردن بیکاری و... دلایلی است که دولت برای اجرای طرح انتقال آب از خلیج فارس و دریای عمان عنوان می‌کند. ابتدا اقرار بود این طرح در استان‌های یزد و کرمان اجرایی شود اما حالا زرمزه‌هایی در رابطه با توسعه آن در سایر استان‌ها از جمله اصفهان، سیستان و خراسان هم به گوش می‌رسد. با این همه گویا هنوز اتفاق شگرفی رخ نداده و همه چیز در حال اقدام و انجام است و اصلی‌ترین مشکلی هم که پیش‌روی دولت بوده، عدم تامین سرمایه‌گذاری برای این طرح بوده است. همواره ایرادات جدی به طرح‌های انتقال وارد بوده است، قبلا هم این را گفتیم، منتها مشخصا در رابطه با این مدل طرح انتقال آب و استان‌های مبدا چند ایراد اساسی وجود دارد که تا امروز هیچ پاسخ متقن و مستدلی به آنها داده نشده است. یکی از ایراداتی که همواره به طرح‌های انتقال آب به مناطق مرکزی ایران وارد بوده است و متوجه این طرح هم می‌شود، وجود صنایع آبر- از جمله فولاد و تولید سیمان و... است که کارشناسان معتقدند مادامی که این صنایع در مناطق خشک و کویری مرکز کشور وجود داشته باشند، مشکل کم‌آبی در این مناطق پایدار خواهد بود و هیچ طرحی توان مرتفع کردن آن را ندارد. نکته دیگر هزینه‌بر بودن و عدم صرفه اقتصادی اجرایی کردن چنین طرح‌هایی است. با جست‌وجوی کلیدواژه طرح انتقال آب از خلیج فارس به کرات اظهارات روحانی خصوصا در سفرهای استانی برای انجام این پروژه عظیم و پرهزینه را می‌بینید. اما چنین طرحی حتی در خود دولت روحانی هم مخالفانی داشت و دارد. برای مثال عباس آخوندی، وزیر سابق مسکن و شهرسازی در رابطه با اجرای چنین طرحی گفت: «اجرای طرح‌هایی مانند انتقال آب از دریای عمان به داخل سرزمین می‌تواند بسیار گران قیمت باشد و از این منظر صرفه اقتصادی ندارد. این طرح از نظر محیط‌زیست معلوم نیست چه شرایطی را به وجود می‌آورد. ما نمی‌توانیم سواحل خود را از جمعیت خالی کنیم و به دنبال انتقال آب از دریا به نقاط کویری کشور باشیم زیرا کویر زندگی خود را دارد و باید آباد شود.»

انتقال آب یک راهکار مقطعی است، مشکل اصلی مدیریت منابع آب است

در ارتباط با طرح انتقال آب خلیج فارس و دریای عمان به فلات قاره و برخی استان‌های کشور ابتدا با سمیه رفیعی، رئیس فراکسیون محیط‌زیست مجلس شورای اسلامی گفت‌وگو کردیم. او در این رابطه ابتدا به ضعف در مدیریت منابع آب اشاره کرد و به «فرهیختگان» گفت: «در خصوص مساله انتقال آب مخصوصا انتقال آب بین حوضه‌ای در کشور مانند انتقال آب از دریای خزر و دریای عمان و خلیج فارس به فلات مرکزی صحبت‌های زیادی می‌شود. با این وجود در درجه اول آنچه باید به آن اشاره کنیم این است که متأسفانه در کشورمان در مساله آب یک سیاست‌گذاری و خط‌مشی واحدی وجود ندارد و متولیان زیادی از وزارت نیرو و وزارت جهاد کشاورزی گرفته تا سازمان حفاظت محیط‌زیست در این حوزه نظر می‌دهند. در کشورمان برخی‌ها با امنیتی کردن بحث آب این مساله را به حاشیه می‌برند. بنده معتقدم در کشورمان بیشتر از اینکه کمبود منابع آب داشته باشیم، مشکل مدیریت منابع داریم. در واقع ما در کشور زندگی می‌کنیم که خیلی از مناطق بیشتر از پتانسیل و جمعیت خود دارای منابع آبی هستند، برخی با احداث طرح‌های نامناسب از کمبود شدید آب رنج می‌برند، با این وجود سئوال این است که چه کسی مدیریت جامع این منابع را برعهده دارد که متأسفانه باید بگوییم سیاست‌گذاری واحدی در این حوزه نداریم. کمی شفاف‌تر بگویم ما متأسفانه نمودار جریان آب که ابتدایی و مبنایی‌ترین اطلاعات را در خصوص مدیریت جامع منابع آب به ما نشان می‌دهد، نداریم پس چگونه می‌خواهیم چیزی را مدیریت کنیم و برایش برنامه‌ریزی داشته باشیم که بدیهیات آن را به صورت کلی نمی‌دانیم و این در کشوری که همواره آب برایش دغدغه بوده و نسبت به آن مدیریت تمدنی داشته با توجه به پیشرفت‌های فناوری امروزی خسران عظیمی است. بحث انتقال آب شاید در کوتاه‌مدت بتواند مشکل منطقه مقصد را حل کند، اما در میان مدت و درازمدت تبعات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی متعددی به بار می‌آورد. در کشور نمونه‌هایی از انتقال آب را داشته‌ایم که باعث آسیب‌دیدن منطقه مبدأ و درازمدت باعث تخریب منطقه مقصد هم شده‌اند. باید مسائل حوزه آب را در قالب یک بسته شامل بررسی‌های اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی، فناوری، هیدرولوژیکی و حتی امنیتی در نظر بگیریم. درمورد انتقال آب بین حوضه‌ای تا جایی که امکان دارد نباید این انتقال صورت بگیرد، چون ما الان در کشوری هستیم که همچنان راندمان آبی در بخش کشاورزی ۴۰ درصد است و ۶۰ درصد آب در این بخش در مسیر انتقال آب به هدر می‌رود. مثلا سال ۹۷ حدود ۲۸ هزار میلیارد تومان در پروژه‌های حوزه آب هزینه شده، با این وجود سئوال این است که چرا با وجود این هزینه‌ها هرساله باید وضعیت آب و خاک در کشور بدتر شود و چرا این باید کشور اول در حوزه فرسایش خاک باشد؟ عدم مدیریت جامع در حوزه آب ریشه تمام اتفاقاتی است که در این مورد مشاهده می‌کنیم. ضرورت تعیین یک متولی واحد در حوزه آب سال‌هاست که باید صورت پذیرد و اگر یک متولی واحد در حوزه آب داشته باشیم خیلی از اتفاقاتی که در این حوزه رخ می‌دهد را شاهد نخواهیم بود.»

لابی‌گری به جای کار کارشناسی؛ دولت در قبال طرح‌های انتقال آب شفاف‌سازی نمی‌کند

انتقال آب صرف‌شود می‌توان تصفیه‌خانه‌های فاضلاب‌های شهری و صنعتی را ایجاد کرد و بسپاب تصفیه‌شده را در بخش کشاورزی و صنعت به کار گرفت. در کنار اینها ظرفیت عظیم شرکت‌های دانش‌بنیان در حوزه تصفیه‌سپاب‌ها و اساتید و فارغ‌التحصیلان متخصص در این امر می‌تواند ارزش افزوده زیادی را برای کشور به ارمغان بیاورد. آمار تصفیه آب در کشورمان در حال حاضر کمتر از ۱/۲ میلیارد مترمکعب است که بالای ۹۲ درصد از حجم فاضلاب تصفیه‌شده نیز مربوط به فاضلاب شهری است. حجم تصفیه فاضلاب شهری تا پنج میلیارد مترمکعب قابل افزایش است؛ بنابراین دولت‌به‌جای اینکه هزینه کلانی را برای انتقال آب بین حوضه‌ای اختصاص دهد می‌تواند روی تصفیه‌خانه‌های شهری سرمایه‌گذاری کند

از آنها در صنایع و حتی در آبیاری فضا‌های سبز شهری و... استفاده کند. برای مثال در استان خراسان به گفته مدیر آب و خاک سازمان جهاد کشاورزی استان خراسان رضوی طرحی به نام همیاران آب در این سازمان ارائه شده که در قالب آن قرار بوده درخصوص کاهش مصرف آب آگاهی بخشی شود و طبق برآورد صورت گرفته نیز در صورت اجرایی شدن این طرح میزان صرفه‌جویی آب ۳۵۰ میلیون مترمکعب بوده که این میزان صرفه‌جویی ۱۰۰ میلیون مترمکعب بیشتر از حجم آبی است که پیش‌بینی شده از طریق انتقال آب از دریای عمان به مشهد منتقل شود. حجم ضایعات آب مصرفی در استان خراسان رضوی بیش از یک میلیارد مترمکعب است و این میزان هدررفت نیز معادل چهار برابر آبی است که قرار است

امروزه پروژه‌های عظیم‌تر از پروژه انتقال آب از خلیج فارس و دریای عمان به فلات مرکزی در کشور نداریم؛ بنابراین باید تمام ابعاد آن به‌طور شفاف برای مردم و کارشناسان اعلام شود. در اکثر مواقع نیت و پشت‌صحنه انتقال آب، تامین آب شرب نیست بلکه تامین آب موردنیاز صنعت است و دولت‌ها نیز در این رابطه صحبت نمی‌کنند و سهم موردنیاز هر بخش را شفاف‌سازی نمی‌کنند. واقعیت این است که تامین آب شرب سهم بسیار اندکی از حجم انتقال آب را به خود اختصاص می‌دهد. در کشور حدود ۳۳ میلیارد مترمکعب پساب تولید می‌شود که از این میزان ۲۸ میلیارد مترمکعب آن سهم کشاورزی و پنج میلیارد مترمکعب نیز سهم فاضلاب شهری و صنعتی است، با هزینه کمتری از میزان هزینه‌ای که قرار است برای پروژه

رفیعی در ادامه گفت: «دولت در قبال برخی طرح‌های عجیب و غریب همچون طرح انتقال آب خلیج فارس و دریای عمان شفاف عمل نمی‌کند و مشخصات جز به جز این طرح مشخص نیست. من در نطق هفته گذشته هم اشاره کردم به عنوان یکی از اصلی‌ترین راهکارها که مبنای برنامه‌ریزی‌ها در کشور باید آمایش سرزمین باشد نه انواع لابی‌گری‌ها. متأسفانه رویه غلطی وجود دارد که به اصل آمایش در مدیریت سرزمینی اعتقادی ندارد و کشور را با مسائل و مشکلات ریز و درشت مواجه می‌کند. سوال بنده به عنوان فعال محیط‌زیست کشور این است که گزارش اثرات زیست‌محیطی طرح‌های انتقال آب کجاست؟ این گزارش دست چه کسی است؟ چه شرکتی آن را انجام داده و چه کسی آن را امضا و تایید کرده است؟ در هر حال

نان جریان‌های موافق سدسازی و انتقال آب در کم‌آبی است

رئیس فراکسیون محیط‌زیست مجلس شورای اسلامی در پاسخ به این سوال که اجرای طرح‌های انتقال چه آورده‌ای برای دلان در حوزه‌های مختلف خصوصا دلان زمین دارد، گفت: «اکثر طرح‌های انتقال آب به نام تامین آب شرب و به کام صنعت اجرامی شوند. مثلا پروژه انتقال آب خلیج فارس به فلات مرکزی که مسافت خیلی زیادی هم از آن اجرا شده به اسم تامین آب شرب است، اما هدف نهایی آن تامین آب مصرفی سه صنعت کویری است و بخش زیادی از هزینه اجرای این پروژه را همین کارخانه‌ها تامین می‌کنند. وجود جریان‌های مدافع سدسازی و انتقال آب در کشورمان یک واقعیت است و نان این جریان‌ها هم در دامن زدن به بحران آبی کشور است. بحث پروژه‌های انتقال آب از دولت‌های اصلاحات و دولت احمدی‌نژاد مطرح بوده و تصویب طرح انتقال آب خزر به سمنان در دوره احمدی‌نژاد اتفاق افتاد که با فشارهای کارشناسان محیط‌زیستی لغو و مجدد در دولت فعلی مطرح شد. پس این نکته نشان می‌دهد منافع پشت‌پرده عده‌ای تمامی دولت‌ها با هر گرایش‌ی از آلوده کرده و آنها اهداف شوم خود را حتی با نابودی محیط‌زیست و اقتصاد مردم دنبال می‌کنند؛ نمونه‌های دیگری در کشور نیز در حوزه محیط‌زیست وجود دارد که مثال بارز آن طرح گردشگری آشوراده است که سرمایه‌گذار آن از دولت هاشمی تا دولت روحانی یک نفر بوده که خوشبختانه با پیگیری‌های فعالان حوزه محیط‌زیست و درایت قوه قضائیه این طرح مخرب را متوقف نگه داشته‌اند. در طرح‌های انتقال آب این یک اصل است که زمین‌های مسیر انتقال ارزش افزوده بالایی پیدا خواهند کرد و قطعا این طرح نیز مستثنی نخواهد بود و شائبه‌ای که مطرح می‌فرمایید، بیشتر شبیه واقعیت است تا شائبه و باید با کمک فعالان و دلسوزان محیط‌زیست جلوی این گونه طرح‌های مخرب گرفته شود.»

نگاه دولت در طرح‌های انتقال تک‌بعدی است و به اکوسیستم‌ها توجه نمی‌کند

رفیعی در پایان و با اشاره به ملاحظات زیست‌محیطی اجرای طرح انتقال آب از خلیج فارس و دریای عمان خاطرنشان کرد: «در علم محیط‌زیست باید به فرآیندها به صورت اکوسیستمی نگاه کنیم. یکی از مشکلات طرح انتقال آب خلیج فارس و دریای عمان به فلات مرکزی این است که نگاه بخشی دولت در زمینه انتقال آب باعث شده تا بقیه شبکه اکوسیستم دیده نشود و همین عامل باعث می‌شود اتفاقات زیادی از جنس محیط‌زیستی بیفتد و عواقب آن نیز قطعا تبعات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را به وجود می‌آورد و در این بین هم مردم متضرر می‌شوند. انتقال آب به فلات مرکزی باید با ملاحظات اجرا شود، اولین ملاحظه برای اجرای این پروژه ملاحظه اقتصادی است به این معنا که این انتقال آب از مبدا به مقصد باید به صرفه باشد. با وجود این اگر از کسانی که به دنبال اجرای طرح انتقال آب هستند پرسیم این طرح چقدر اقتصادی است احتمالا می‌گویند ما حساب کتاب کرده‌ایم و قطعا اقتصادی است و این در حالی است که اصلا این طور نیست، چون دوسسات در محاسبات خود اکوسیستم و اقتصاد محیط‌زیست را محاسبه نکرده‌اند. با وجود مخالفت‌هایی که نسبت به این موضوع و برخی موضوعات زیست‌محیطی دیگر در دولت‌های قبل در سازمان محیط‌زیست وجود داشته، اما خیلی از این موضوعات همچون موضوع انتقال آب خزر به سمنان و سد قنیسک و صدور مجوزهای بی‌ضابطه برای شکار همچنان در حال اجرا شدن هستند. در هر حال این رویه‌های غلط ناگزیر باید اصلاح شوند و اگر اصلاح نشوند مردم گریبان مسئولان را می‌گیرند و آنها را فراموش نخواهند کرد. برخورداری از محیط‌زیست سالم جزء حقوق عامه است و مورد مطالبه آنهاست. باید به این حق مسلم مردم احترام گذاشت و آن را اجابت کرد.»

با یک‌پانزدهم هزینه این طرح می‌توان مشکل آبرسان راحل کرد

در ادامه با محمد درویش، فعال و پژوهشگر محیط‌زیست در رابطه با این طرح انتقال آب گفت‌وگو کردیم و او به «فرهیختگان» گفت: «از بین تمام طرح‌های سازه‌ای که وزارت نیرو اجرا می‌کند، یعنی سدسازی‌ها، طرح‌های انتقال آب بین حوضه‌ای و طرح‌های انتقال آب خزر، عوارض محیط‌زیست طرح انتقال آب از دریای عمان از همه کمتر است، چون محلی که قرار است این دستگاه‌ها نصب شود در گواتر و متصل به اقیانوس هند است، عوارض محیط‌زیستی با توجه به حجم غیرقابل مقایسه اقیانوس هند با دریای عمان و خلیج فارس کاملا قابل صرف‌نظر کردن است. از نظر محیط‌زیستی و پسابی که وارد اقیانوس می‌شود نسبت به بقیه طرح‌ها کاملا قابل صرف‌نظر کردن است. به خصوص اینکه در طرح‌های انتقال آب بین حوضه‌ای شاهد نابادانی یک منطقه به بهای آبادانی منطقه دیگر هستیم. تنش‌های اجتماعی ایجاد می‌کند و کلی مشکلات جدی ایجاد می‌شود. منتها بحث ما اتفاقا در طرح انتقال آب دریای عمان به ایران مرکزی، خراسان رضوی و مشهد بحث محیط‌زیستی نیست یعنی بحث محیط‌زیستی کمترین بحث است. بحث این است که چیزی حدود ۲۱۰ هزار میلیارد تومان هزینه‌کنند تا آب را به مشهد برسانند، در صورتی که می‌توانند با حدود یک‌پانزدهم این رقم پساب خود استان خراسان رضوی را تصفیه و استفاده کنند. زباله را مدیریت کنند که شیره‌آبه تولید نکند و سفره‌های آب زیرزمینی را از بین ببرد. از ضایعات بخش کشاورزی در خراسان رضوی که یکی از مهم‌ترین تولیدکنندگان کشاورزی ماست و ۳۰ درصد محصولات آن به دلیل نداشتن سردخانه کافی، تکنیک‌های غلط بسته‌بندی و رساندن آن به فروشگاه‌ها در شهر، نداشتن سیلوی لازم و دیوبی غلط از بین می‌رود را درمان کنند. به مراتب می‌توانیم از این پول در حوزه‌های خیلی مهم‌تر دیگری استفاده کنیم. اگر می‌توانستیم این پول را صرف ارتقای وزارت آموزش و پرورش کنیم که معلمان با اشتیاق خود را معلم کنند، با استعدادترین آدم‌های این کشور معلم شوند و آنها نسل آینده را تربیت کنند به مراتب مزیت اقتصادی بیشتری دارد. اینکه بگویند سرمایه‌گذار و پول داریم و این کار را می‌کنیم و نگرانی نداشته باشید، اتفاقا نگرانی ایجاد می‌کند. چرا در کشوری که ادعای سومین سدساز دنیا را دارد هنوز ۱۴ میلیون نفر زیر خط فقر زندگی می‌کنند و بسیاری از مدارس ما در بلوچستان کپری است و فرزندمان ما در مناطق سیستان و بلوچستان به خاطر استفاده از آب آشامیدنی تمساح دست آنها را قطع می‌کند. این چیزهایی که در کشور اتفاق می‌افتد همه نشان‌دهنده این است که ما متأسفانه روی حوزه فرهنگ و آموزش کار جدی انجام ندادیم و فکر کردیم با غلبه تفکر سازه‌ای می‌توانیم مشکلات خود را حل کنیم. علاوه بر اینها این نکته موردتوجه است. چرا به سمت استقرار صنایع پر مصرف فولاد، لاستیک، سیمان می‌روید و بعد می‌گویید آب کمی داریم و آب از خلیج فارس به شمال کشور بیآوریم، چرا سراغ آن نوع تولیدات ثانویه نرویم که اتفاقا وابستگی معیشتی به منابع آب و خاک ندارد؟ چرا به سمت استیصال انرژی‌های خورشیدی و بادی نرویم؟ چرا به سمت توسعه زیرساخت‌های بوم‌گردی و گردشگری نرویم که متناسب با طبیعت این سرزمین است؟ چرا به سمت این نرویم که از مزیت‌های ایران برای دسترسی به آب‌های آزاد برای جمهوری‌های آسیای میانه استفاده کنیم؟ اینها می‌تواند پول‌پایدار برای کشور به ارمغان بیاورد، نه اینکه سرمایه‌های ارزشمند خود را صرف غلبه تفکر سازه‌ای کنیم و یک شرکت‌هایی از این میان نان دریاوردند.»

احیای دریاچه ارومیه و طرح‌های انتقال موفقیتی نداشته که مایه افتخار باشد

درویش به محل تامین پول و اعتبارات اجرای این طرح اشاره کرد و گفت: «پرس‌و‌جو کنید که چطور این ۲۱۰ هزار میلیارد را تامین خواهند کرد، عده‌ای در خراسان رضوی زمین‌ها را در مناطق بیابانی و خشک هکتاری خریداری کردند و منتظر هستند آب بیاید و متری بفروشند. فقط با دلای زمین این پول تامین می‌شود. من به‌عنوان شهروند مسئولیت‌پذیر باز آرزوی خریدن زمین و خانه و مسکن را دارم. روحانی از افتخارآمیز بودن دو طرح احیای دریاچه ارومیه و طرح انتقال آب از دریای عمان و خلیج فارس گفت. خوب وقتی سه سال حوضه آبخیزی این دریاچه تحت بهترین دوره ترسالی خود در طول نیم‌قرن اخیر بوده است چگونه می‌توان قضاوت درستی کرد؟ اتفاقا با توجه به اطلاعاتی که سازمان هواشناسی داده است با یک‌سال بارندگی پایین‌تر از نرمال در دریاچه ارومیه روبرو خواهیم بود و شعا می‌فهمید تمام هنر این آقایان کجوا کار نشان می‌دهد. برای قضاوت درخصوص عملکرد در حوزه دریاچه ارومیه باید اجازه دهیم آب به تراز نرمال دریاچه ارومیه برسد. الان تا تراز نرمال دریاچه ارومیه که این آقایان قول داده‌اند، بیش از ۷۰ درصد فاصله است. یعنی در بهترین شرایطی که اینها کار کردند توانستند حدود پنج میلیارد مترمکعب آب در دریاچه ارومیه منتقل کنند که الان حدود سه میلیارد مترمکعب هم آب ندارد. در صورتی که تراز نرمال ۲۰ میلیارد مترمکعب آب است. چگونه وقتی چنین شرایطی وجود دارد آن را به‌عنوان بهترین دستاورد خود معرفی می‌کنید؟ چرا مخاطب و مردم را این میزان دست‌پاچین می‌گیرید؟ درمورد طرح انتقال آب از دریای عمان الان چه کاری صورت گرفته است؟ هیچ کاری انجام نشده و تنها یک کلنگ زدید و این را جزء دستاورد مهم خود می‌دانید؟ دستاورد مهم این است که به تاب‌آوری سرزمین کمک کنید. شما نرخ خشونت‌ورزی را کاهش دهید، میزان ورودی به زندان‌ها کاهش یابد، میزان افسردگی و نزاع در هر ۱۰۰ هزار نفر کاهش یابد. اینها نشان‌دهنده تاب‌آوری یک جامعه است. شما که ادعای اسلام دارید چرا این اقدامات را انجام می‌دهید؟ اگر خواهیم مشکل کمبود آب در بلوچستان را کم کنیم، به اندازه کافی بلوچستان آب دارد ولی کیفیت ندارد و به‌راحتی با چند دستگاه آب‌شیرین‌کن و با یک بودجه حدود ۴۰ میلیارد تومانی می‌توانیم مشکل آب مردم بلوچستان را حل کنیم و مساله این آقایان حل مشکل آب مردم بلوچستان نیست، دنبال این هستند که دلای زمین کنند و قیمت زمین را افزایش دهند و با پول این زمین‌ها بتوانند هزینه‌های این طرح‌ها را تامین کنند و یک‌سری صنایع پر مصرف ایجاد کنند که هیچ‌یک از کشورهای پیشرفته دیگر حاضر نیستند آنها را در کشور خود داشته باشند مثل سیمان، فولاد و آهن چون در آن کشورها ارزش‌گذاری اقتصادی اتفاق افتاده است و قیمت نهاده‌های انرژی واقعی است، اگر یک کارخانه سیمان بخواهند بزنند آنقدر آلودگی هوا، خاک، زمین و مالیات دارد که برای او به صرفه نیست، ولیکن در کشور ما آلودگی هوا و خاک و آب جزء ارزش‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها محسوب نمی‌شود و به‌راحتی فکر می‌کنند این توجیه اقتصادی دارد که ما اینجا کارخانه سیمان، فولاد و... تأسیس کنیم. چرا باید این اشتباه را انجام دهیم؟ گفته می‌شود اجرای این طرح‌ها به رف معضل بیکاری کمک می‌کنند، این مثل دوپینگ است، ممکن است در کوتاه‌مدت این طرح‌های لوله‌گذاری و سازه‌های مشکل‌بیکاری را حل کند همان طور که وقتی سومین سدساز جهان شدیم مشکل بیکاری حل شد؟ در مقطع کوتاهی کارگاه‌های سدسازی جمعیتی را سرکاری می‌آورد اما بعد همه بیکار می‌شوند.